

یاد چهار تن از جان گذشتگان معدن مس خاتون آباد را گرامی می‌داریم!

اطلاعیه مشترک

پنجم بهمن ماه هشتاد و پنج

در سال هزار و سیصد و هشتاد دو، بیش از دویست کارگر معدن مس خاتون آباد شهر بابک کرمان، که در یکی از پروژهای ساختمانی این معدن به مدت نه سال مشغول به کار بودند، بیکار می‌گردند. از آنجائی که از طرف کارفرمای دولتی برای آنان کار دیگری در نظر گرفته نمی‌شود، کارگران این پروژه بعد از چندین بار مراجعه به مسئولین معدن و مقامات دولتی و یک سلسله کشمکش‌های بی حاصل عاقبت در سرمای زمستان این سال، اقدام به تحصن در جلو درب محل کارشان می‌کنند.

هر روزه، همسران و فرزندان، خواهران و برداران، و مادران و پدران کارگران و جمعی از جوانان محل، این کارگران را از طلوع تا غروب آفتاب همراهی می‌کردند و شب هنگام به خانه هایشان می‌رفتند و کارگران هم به محیط کار برمی‌گشتند، تا شب را به روز برسانند. از همان آغاز تحصن، ارگان‌های دولتی به اشکال گوناگون مزاحمت‌هایی را برای کارگران و خانواده هایشان فراهم می‌آوردند، تا هر چه سریع‌تر آنان را مجبور نمایند دست از تحصن و مبارزه بردارند. این تحصن، پس از چند روز، از حمایت گسترده تر مردم محل و کارگران بخش‌های دیگر صنایع و معدن مس شهر بابک کرمان به خصوص جوانان قرار گرفت.

این همبستگی، کارفرما و دیگر مسئولین دولتی را به هراس می‌اندازد. ابتدا ماموران دولتی زیر نظر فرماندار، شهردارنژاد، به آزار و اذیت کارگران می‌پردازند. این رفتار ماموران، طاقت کارگران را بسر می‌رساند. کارگران که دیگر جانشان به لب رسیده است، با ماموران دولتی درگیر می‌شوند. در جریان این درگیری، به گفته شاهدان عینی که در محل حضور داشتند، ارگان‌های سرکوب گر جمهوری اسلامی از زمین و هوا (توسط هلی کوپتر) به کارگران و مردم حامی آنها تیراندازی می‌کنند. طی این درگیری، نود و هشت نفر زخمی و چهار تن نیز کشته می‌شوند.

خانواده های مجروحین و کشته شدگان و جمع مردمی که در بیمارستان‌های شهر بابک کرمان ازدحام کرده بودند، اشک ریزان و با خشم به فرمانداری یورش می‌برند و نیروهای انتظامی را مجبور به عقب نشینی می‌کنند. مسئولین محلی با عجز و التماس و وعده وعید مردم را دعوت به آرامش می‌کنند. آنان با چرب زبانی و قسم و آیه، به خانواده های کارگران قول می‌دهند که قاتلین و عاملین این کشتار را معرفی و مجازات کنند. این درگیری تا نزدیکی های غروب ادامه می‌یابد.

سه سال از این توحش نظام سرمایه داری حاکم بر ایران می‌گذرد. اما به رغم اعتراضات بسیاری که انجام گرفته است (هر ساله از طرف مردم و کارگران خاتون آباد و بخش‌های دیگر طبقه کارگر در ایران و هم چنین فعالین کارگری در بسیاری از کشورهای دیگر سراسر دنیا با گردهم‌آئی و اطلاعیه هایی، این روز گرامی داشته می‌

شود)، تاکنون ارگان‌های ذیربط و مقامات دولتی از معرفی قاتلین این کشتار به مردم و مجازات آنها خود داری کرده‌اند. تنها کاری که انجام داده‌اند، پرداخت خون بها به خانواده های سه تن از کشته شدگان این جنایت و هم چنین مبالغی جزئی به خانواده های بعضی از زخمی شدگانی که دیگر قادر به کار نیستند، است. اینان آن چنان وقیح اند، که خانواده یکی از کشته شدگانی را که حاضر به رضایت نشده است، توسط افراد خود مورد حمله قرار داده، شیشه های خانه شان را شکسته، و گاه و بی گاه خسارت هایی به آنان وارد می کنند.

این توحش نظام سرمایه دار حاکم بر ایران، این تعرض خون بار به طبقه کارگر، نه اولین و نه آخرین آن است. تا زمانی که این طبقه جان به لب رسیده، این حقیقت را که قدرتش در متشکل و متحد شدنش است، درک نکند و آن را به کار نگیرد، قادر نخواهد گشت حقوق و مطالبات انسانی و برحق خود را به طور مستمر و ماندگار به دست آورد و بر بروز چنین توحشاتی توسط رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی سد محکم ببندد.

جنبش کارگری ایران طی صد سال حیات خود، فراز و نشیب‌های بسیاری را پشت سر گذاشته است. حتا اکنون، و در شرایط مختنق حاکم بر جامعه، نیز روزی نیست که کارگران در سراسر ایران اقدام به اعتراض، تحصن، اعتصاب، راه بندان، تظاهرات و از جان گذشتگی در راه تحقق خواسته های خود نکنند. ولی به رغم تمامی این جان فشانی‌ها، به دلیل خشونت وحشیانه ارگان‌های سرکوب گر رژیم جمهوری اسلامی از يك سو، و از سوی دیگر به دلیل فقدان یک تشکل طبقاتی و سراسری کارگری و پراکنده بودن این مبارزات، عمدتا در تحقق خواسته هایشان ناکام مانده اند.

به رغم تمام این دشواری‌ها فعالین کارگری در ایران همواره تلاش می کنند، تا این موانع را از پیش پای مبارزات خود بردارند. به همین منظور، فعالین کارگری خارج از ایران هم به طرق مختلف اقدام به فعالیت‌هایی نموده‌اند، تا وضعیت طبقه کارگر ایران را با مردم و همکارانشان در محل زندگی و کارشان در میان بگذارند و حمایت و همبستگی آنان با کارگران ایران را فراهم آوردند.

ما فعالین کمیته ها و کانون‌های همبستگی در آلمان، ضمن گرمی داشت خاطره کارگران جانباخته در خاتون آباد شهر بابک کرمان، در چهار بهمن هزار سیصد و هشتاد و دو، خود را جزیی از تلاش‌های فعالین کارگری در ایران برای به محاکمه کشاندن مسببین این حادثه و نیز ایجاد تشکل طبقاتی و سراسری کارگری برای متحد و متشکل کردن کارگران و سازمان دادن مبارزات و تحقق مطالبات انسانی و برحق آنها می دانیم.

به امید همبستگی، منسجم و گسترده تر بین المللی کارگری!

کانون همبستگی با کارگران ایران - کلن
کمیته همبستگی با کارگران ایران - هامبورگ
کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران - هانوفر
گروه همبستگی با جنبش کارگری - برلن